

چکیده

مهدی ظیل‌الله از نگاه اهل سنت

* رحیم ابوالحسینی

مقاله حاضر، نگاهی است کوتاه به معرفی و شناسایی حضرت مهدی ظیل‌الله. هدف از این مقاله، اثبات ولادت مهدی ظیل‌الله و تعیین مصداق آن حضرت است. انتخاب این موضوع از آن جهت شایان توجه است که امروزه شباهتی در باره اصل ولادت آن حضرت مطرح شده و علاوه بر کتابها و مقالات مستقلی که در این باره نوشته شده است، چندین سایت اینترنتی نیز برای تخریب شخصیت حضرت مهدی ظیل‌الله و تحریف منابع اصیل اسلامی فعالیت جدی دارند. از این رو، بر پژوهش‌گران و محققان اسلامی لازم است در برابر چنین اقداماتی ساکت نشسته و قلم و زبان خود را در دفاع و حمایت از ریشه‌دارترین مسأله اسلامی و امیدبخش توین عنصر اعتقادی شبدی، به کار گیرند.

رواق اندیشه ۱۸

مهدی ظیل‌الله از نگاه اهل

سنت

مقدمه

«شَهَدَ اللَّهُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ وَأَوْلُوا الْعِلْمُ قَائِمًا بِالْقُسْطَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۱

این آیه شریفه، سخن مهدی ظیل‌الله است که لحظاتی بعد از ولادت، پس از سجده به درگاه خداوند،

* - مدرس حوزه، محقق و نویسنده.

۱ - آل عمران / ۱۸.

سر را به طرف آسمان بلند کرد و آن را تلاوت نمود.^۱ آری سخن از ولادت حقیقتی^۲ از سلاله زهراء^۳ است که جهان از فیض وجود او استوار و از برکت هستی او، برقرار است.^۴ وجود او همچون آفتابی است که همه مخلوقات هر چند از پشت ابرها، از نور او بهره مند می‌گردد.^۵ اما با این حال ناچاریه برای اذعان نایابوران، این حقیقت را بیشتر شکافته و زنگار ابیه را بزداییم. بدیهی است، به دلیل نوع بحث که یک بحث تاریخی است، کمتر از خود سخن گفته و در پی مدارک و مستندات باشیم. از این رو، بدون هیچ حاشیه‌ای، روایات، گزارشها و شواهدی که درباره ولادت آن حضرت به عنوان دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسگری علیهم السلام، وارد شده را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ولادت مهدی علیهم السلام در یک نگاه

درباره ولادت امام مهدی علیهم السلام، اگر چه بعضی از مخالفان^۶ سعی کرده‌اند تولد آن امام عدالت‌گستر را زیر سؤال ببرند، و در همین راستا، اصل مسأله مهدویت را امری موهوم و اعتقاد به آن را باعث رکود و عقب‌ماندگی جامعه معرفی کنند، ولی شواهد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که آن حضرت در واقع از مادری به نام نرجس^۷، و در تاریخ و روز معینی، به دنیا آمده است. در واقع اصل ولادت مهدی علیهم السلام جزء مسلمات تاریخ است و غیر از ائمه علیهم السلام و محدثان شیعه، بسیاری از مورخان و محدثان اهل سنت نیز بدین امر تصریح کرده‌اند. در برخی کتابها بیش از شصت و پنج تن از این عالمان و نام کتابهای آنان ذکر شده است.^۸

۱ - شیخ صدق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، دارالحدیث، قم، ج ۲، ص ۱۵۹، باب ۴۲.

۱۳.

۲ - شیخ علی کورانی عاملی، معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه معارف اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۳۶. حدیث متواتر: «المهدی حق» به این معنا اشاره دارد.

۳ - ابوالحجاج یوسف المزی، تهذیب الکمال، تحقیق дکتور بشار عواد معروف، مؤسسه الرساله، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۴۳۷. «المهدی حق من ولد فاطمه».

۴ - محمد بن جریر بن رستم الطبری، دلائل الامامه، مؤسسه البعله، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ص ۴۳۶.

۵ - محمد بن فضال نیشابوری، روضه الواقعین، تحقیق محمد مهدی حسن خرسان، منشورات الرضی، قم، ص ۱۹۹.

۶ - مانند ابن خلدون و احمد امین مصری و نویسنده تفسیر المنار، د.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۷، ص ۳۷۴ به بعد.

۷ - البته نامهای دیگری نیز برای مادر آن حضرت ذکر کرده‌اند از قبیل: صقیل، صیقل و سوسن، ولی تعدد نامهای مادر آن حضرت به دلیل استناد و مسائل امنیتی بوده است.

۸ - محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، صص ۲۰ - ۱۸ به نقل از مسعود پور سید آقایی، تاریخ عصر غیبت، انتشارات حضور، قم، ص ۳۷.

اساساً بحث از ثبوت ولادت مهدی ظلله با توجه به این همه مدارک، به طوری که نخستین بار از زبان مبارک پیامبر اکرم علیه السلام تصریح به نام آن حضرت شده و سپس از طریق راویان معتبر و سرشناس، تأیید و تأکید شده است، بخشی غیرطبیعی و نامعمول به نظر می‌رسد، لکن شباهات و حوادثی که در امر ولادت آن امام، رخ داده است، بحث فوق را تا اندازه‌ای معقول و منطقی می‌نمایاند، نظیر ادعای جعفر کذاب^۱ مبنی بر آن که امام عسگری ظلله برای خود جانشینی قرار نداده است و در پی آن، حکومت وقت^۲ میراث امام عسگری را به جعفر کذاب داده است.

در برخی از منابع تاریخی نیز آمده است که پیروان امام حسن عسگری ظلله بعد از ولادت مهدی (عج)، در اثر حوادث و شباهاتی که در امر ولادت امام مهدی ظلله، بین آنان به وجود آمده بود، به چهارده فرقه تقسیم شدند^۳، هر چند بعد از آن، هر چهارده فرقه به حقیقت پی بردن و قائل به تولد امام زمان ظلله و زنده بودن آن حضرت شدند^۴، چنان که اختناق و فشاری که از ناحیه حکومت وقت بر شیعیان و امامان معصوم ظلله بود، در مخفی نگه داشتن موضوع ولادت مهدی ظلله بی تأثیر نبوده است.

بنابراین، با در نظر گرفتن این عوامل، می‌توان بحث از ولادت مهدی ظلله را بخشی معقول و منطقی قلمداد کرد.

اما با این همه، نسبت به ثبوت ولادت آن حضرت، تلاش مجدانه‌ای از سوی امام حسن عسگری ظلله و حتی امامان پیش از آن، و یاران واقعی آنها صورت پذیرفت که غبار این مسئله را زدود و آن را در باور خردمندان و حقیقت‌پیشگان قرار داد. در روایت صحیحه‌ای از ابوهاشم جعفری چنین نقل شده است:

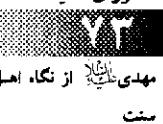
به أبو محمد؛ يعني امام عسگری ظلله عرض کردم: هيئت شما مرا از سؤال کردن باز می‌دارد، آیا اجازه می‌فرمایید که از شما سؤالی کنم؟ فرمود: پرس، عرض کردم: آقای من، آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود: آری، عرض کردم: اگر برای شما حادثه‌ای رخ دهد در کجا سراغ او

۱ - جعفر کذاب، عموی امام زمان ظلله و برادر امام عسگری ظلله است.

۲ - شیخ مفید، الارشاد، تحقیق مؤسسه آل البيت، دارالمفید، قم، ج ۲، ص ۳۳۶. امام حسن عسگری ظلله در زمان سه خلیفه به نامه‌ای: معتز ۲۵۵ ق، و مهتمد ۲۵۶ ق، و معتمد تا ۲۷۹ ق، زندگی می‌کرده و در سال ۲۶۰ قمری به شهادت رسید.

۳ - سید مرتضی با املاء استادش (شیخ مفید)، الفصول المختاره، دارالمفید، بیروت، ص ۳۱۸.

۴ - همان، ص ۳۲۱.



ماه، نورانی بود و بر بازوی راست او نوشته بود:^۳

« جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهقاً »^۴

ولادت مهدی علیه السلام در نگاه عالمان اهل سنت

بر سر زبانها معروف است که اهل سنت کمتر به وقوع ولادت مهدی اعتقاد دارند، اما با مروری کوتاه در گفته‌های اهل سنت روشن خواهد شد که ولادت مهدی علیه السلام و این که آن حضرت

۱- شیخ کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۲۸. گفتنی است احتمالاً منظور از «مدینه» در سخن امام علی علیه السلام «مدینة السلام» است که نام دیگر شهر بغداد است.

۲- حکیمه خاتون خواهر امام هادی علیه السلام و عمه امام حسن عسگری علیه السلام نیز بوده است.

۳- محمد بن جریر بن رستم الطبری، پیشین، ص ۴۹۹.

۴- اسراء / ۸۱

برو؟ فرمود: در مدینه.

محمد بن قاسم علوی نیز روایت می‌کند که ما جماعتی از علویون نزد حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام،^۱ آمدیم. حکیمه گفت: آمدید تا از ولادت ولی خدا پرسش کنید؟ گفتنی: به خدا قسم که همین طور است! فرمود نزد من دختری به نام نرجس بود که من او را بزرگ کردم و غیر از من کسی تربیت او را به عهده نداشت. روزی أبو محمد: یعنی امام عسگری علیه السلام بر من وارد شد و چشم به این دختر دوخت، من گفتم آقای من، آیا نظری بر این دختر دارید؟ فرمود: ما اولیاء خدا هستیم و هیچگاه از روی شهوت به دختران نگاه نمی‌کنیم، لکن تعجب من از این است که از این دختر، مولودی گرامی متولد خواهد شد، عرض کردم آقای من، پس آیا زمینه را فراهم کنم؟ فرمود باید از پدرم: یعنی از امام هادی علیه السلام رسیدم، به من فرمود: ای عمه، همان مولودی که نزد خدا و رسولش، گرامی است، حسن عسگری علیه السلام رسیدم، امشب؟ فرمود: آری. من با تعجب نزد نرجس رفتم و او را بر پشت خوابانیدم ولی آثار حاملگی در او ندیدم، لذا عرض کردم آقای من، او حامله نیست! حضرت تبسمی کرد و فرمود: ای عمه، وضعیت حاملگی در مورد ما اولیاء الله، فرق می‌کند. حکیمه می‌گوید وقتی شب شد، پیش أبو محمد علیه السلام رفتم در حالی که او و نرجس را در محراب عبادت دیدم، و تا سپیده صبح، هر دو مشغول عبادت بودند اما من توانایی آن همه عبادت را نداشتم، گاهی عبادت می‌کردم و گاهی خوابی می‌برد. ناگهان در آخر شب فریادی شنیدم که می‌گفت: ای حکیمه، طشت را بیاور، من نیز طشت را آوردم و قابلگی کردم و نرجس خاتون بچه‌ای به دنیا آورد که همچون

دوازدهمین پیشوای فرزند حسن عسگری علیه السلام است، نزد آنان مسلم و قطعی است. اکنون گفته‌هایی که از مدارک اهل سنت نقل شده، از نظر خوانندگان محترم می‌گذاریم:

۱- شبنجی در «نور الابصار» فصلی با عنوان «مناقب محمد بن الحسن» گشوده و پس از ذکر سلسله آباء حضرت مهدی، می‌گوید:

مادرش، ام ولد بود و نام او نرجس یا صقیل و با سوسن بود، و کنیه‌اش ابوالقاسم و امامیه لقب او را حجت، مهدی، خلف صالح، قائم، منظر و صاحب الزمان، معرفی کرده‌اند.
مشهورترین لقب او، «مهدی» است.^۱

۲- کنجی شافعی در «کفاية الطالب» می‌گوید:

ابو محمد حسن عسگری فرزند هادی، تولدهش در مدینه بوده و در سامراء در همان خانه‌ای که پدرش هادی دفن شد، مدفون گشت، و از خود فرزندی به جای گذاشت که همان امام منظر می‌باشد.^۲

۳- محمد بن غامر الشبراوی شافعی می‌نویسد:

دوازدهمین امام، ابوالقاسم محمد است که گفته می‌شود او همان مهدی منظر است. تولد امام محمد الحجه بن الامام الحسن الخالص، در سامراء شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق.، پنج سال قبل از فوت پدرش، بوده است. پدرش ولادت او را به دلیل سختی زمانه و ترس از حکومت وقت، مخفی و مستور نگاه داشت؛ زیرا آنها (حکومتها) در بی هاشمیان بودند تا آنان را محبوس نموده و یا به قتل برسانند.^۳

۴- ابن حجر هیتمی می‌گوید:

حسن عسگری جز یک فرزند از خوده به جای گذاشته که ابوالقاسم محمد الحجه است، و سن او هنگام وفات پدرش پنج سال بوده لکن خداوند حکمت را در او نهاده است (و در این سن از هوش بالایی برخوردار بوده است). و او القائم المنتظر نیز نامیده می‌شود؛ زیرا گفته می‌شود وی در مدینه از نظرها پنهان شد و معلوم نیست کجا رفته است.^۴

گفتنی است اگر چه در نقل مذکور، محل اختفاء مهدی علیه السلام «مدینه» عنوان شده با این که آن

۱- سید مؤمن بن حسن مؤمن الشبننجی، نور الابصار فیمناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۶۸.

۲- کنجی شافعی، کفاية الطالب، ص ۴۵۸.

۳- عبدالله بن محمد بن غامر الشبراوی، الاتحاف بحب الاشراف، ص ۶۸.

۴- شهاب الدین احمد بن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۲۴.



حضرت در سامراء از نظر پنهان شده است، ولی آنچه اکنون از این نقل تاریخی، مورد استفاده قرار می‌گیرد اصل وجود آن حضرت به عنوان فرزند حسن عسگری علیله، می‌باشد.

۵- ابن خلکان در باب «ذکر محمد بن الحسن المهدی» می‌نویسد:

ولادت او روز جمعه منتصف شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد، و ابن ازرق در تاریخ

میافارقین می‌گوید امام مذکور در نهم ربیع الاول سال ۲۵۸ هجری متولد شد، و گفته می‌شود در هشتم سال ۲۵۶ هجری تولد یافته که به عقیده ما همین قول صحیح می‌باشد.^۱

۶- کمال الدین محمد طلحه شامي شافعی در باب دوازدهم از کتابش می‌گوید:
«باب دوازدهم درباره ابوالقاسم محمد بن الحسن الخالص،...، است» و در ادامه پس از اتصال

نسب او به علی بن ابی طالب، و ذکر اشعاری درباره حضرت مهدی علیله می‌گوید:

مهدی علیله از فرزندان بتول طاهره که پاره تن پیامبر علیله است، می‌باشد و مولده در

سامراء در بیست و سوم رمضان سال ۲۵۸ هجری اتفاق افتاد و پدرش الحسن الخالص، و مادرش ام ولد بود که به نام صقیل یا حکیمه معروف بود.^۲

۷- سبط بن الجوزی در تذكرة الخواص پس از این که نام حضرت مهدی علیله را ذکر و نسب او را

به علی بن ابی طالب علیله می‌رساند می‌گوید:

محمد بن الحسن کیه اش ابو عبدالله و ابوالقاسم است که او همان خلف حجت و

صاحب الزمان است و گفته می‌شود مادر او ام ولد بوده و نامش صقیل بوده است.^۳

۸- سویدی در سبائق الذهب می‌نویسد:

سن محمد بن الحسن فرزند عسکری علیله بعد از وفات پدرش، پنج سال بود، قامتش میانه

بالا، مويش زيبا، بیني اش کشیده و پیشانی اش نواری است.^۴

۹- چهضمی در مواليد الائمه می‌گوید:

از جمله دلائل ولادت مهدی علیله، این است که حسن عسکری علیله هنگام تولد پسرش

محمد فرموده است ستمگران عقیده داشتند مرا به قتل برسانند تا این نسل را قطع کنند، اما آنها

۱- ابن خلکان، وفيات الأعيان، ج ۱، ص ۵۷۱.

۲- محمد بن طلحه شامي، مطالب المسؤول، ص ۸۹.

۳- سبط بن الجوزی، تذكرة الخواص، ص ۲۰۴.

۴- محمد امين البغدادي السويفي، سبائق الذهب في معرفة قبائل العرب، ص ۷۸.

دربارهٔ فقرت خداوند چگونه فکر می‌کنند.^۱

۱۰- ابن صباح مصری می‌نویسد: ابوالقاسم محمد الحجه بن الحسن الخالص، در سامراء و در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری، متولد شد.^۲ سپس سلسله نسب او را ذکر کرده و تا علی بن ابیطالب می‌رساند.

۱۱- عبدالوهاب شعرانی می‌نویسد:

پیش‌بینی می‌شود مهدی ظاهر خروج کند و او از اولاد امام حسن عسگری ظاهر است و زمان تولدش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری بوده است، و هم اکنون زنده است تا این که عیسی مسیح ظاهر با او هم پیمان شود. عمر شریف او تا این زمان که سال ۹۵۸ هجری است، ۷۰۶ سال است.^۳

اینها جمله‌ای از گفته‌های اهل سنت بود که همگی گویای وقوع ولادت مهدی ظاهر به عنوان دوازدهمین امام و فرزند حسن عسگری ظاهر بوده و با لسانی صریح و غیرقابل تأویل، جریان تولد مهدی ظاهر را بازگو کرداند. غیرقابل تأویل بودن سخنان مذکور، از آن روی است که مضمون آنها حکایت از جریانی دارد که در خارج اتفاق افتاده و زمان و مکان این جریان کاملاً تعیین شده است. چنان که معرفی و تعیین پدر و مادر آن حضرت، نیز خود شاهد و دلیل دیگری بر وقوع ولادت مهدی ظاهر است. جالب اینجاست از میان این همه علمای اهل سنت، کمتر کسی پس از ذکر ولادت مهدی ظاهر، در آن مناقشه و یا آن را انکار کرده است.

نگاهی کوتاه به احادیث مهدی ظاهر در کتب صحاح شش گانه اهل سنت

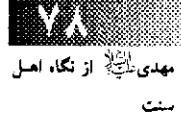
بررسی احادیث تولد مهدی ظاهر به عنوان دوازدهمین امام، در کتب صحاح اهل سنت بویژه در دو کتاب صحیح بخاری و مسلم، هر چند کاری شاق و در نظر برخی ناممکن می‌نماید، ولی با تتبع عمیق و گستردگی، می‌توان مطالب سودمندی را در این رابطه به دست آورد، و اگر این مطالب به دست آمده را با مدارکی که در جوامع روایی دیگر وجود دارد ضمیمه کنیم، نتیجه قابل قبولی را درباره تولد مهدی ظاهر به عنوان دوازدهمین پیشوای خواهیم گرفت.

در کتب شش گانه اهل سنت، روایاتی به چشم می‌خورد که دلالت بر ظهور و خروج مهدی ظاهر، و

۱- الجهمضی، مواليد الانتماء، ص ۳۱۴.

۲- ابن صباح مصری، الفصول المهمة، ص ۲۷۴.

۳- عبدالوهاب شعرانی، البوائقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۱۴۳.



حتی برخی از آنها دلالت بر زنده بودن مهدی طبلت دارد.

در صحیح بخاری در بخش‌های متعددی به روایت خروج دجال و فتنه او اشاره شده^۱ و به اتفاق همه شارحان صحیح بخاری^۲، این احادیث منطبق با ظهور مهدی طبلت است. همچنان احادیث نزول عیسی مسیح طبلت در صحیح بخاری ذکر شده و کاملاً گویای این است که عیسی مسیح طبلت در کنار پیشوایی از خود مسلمانان قرار خواهد گرفت و او را کمک خواهد کرد.^۳ و نیز بخاری از جابر بن سمرة و او از پدرش روایتی را ذکر کرده که رسول خدا^ع فرموده: «دوازده پیشوای مردم گمارده شده است.»، جابر می‌گوید: سپس پیامبر^ص به طور آهسته سخنی به پدرم گفت که من نشنیدم، اما پدرم به من گفت که پیامبر^ص فرمود: «همه این پیشوایان از قریش هستند.»^۴

در صحیح مسلم در «كتاب الامارة»، به نقل از پیامبر اکرم^ص آمده است:

دین همچنان پا بر جاست و همه مردم پیروان قریش هستند^۵ و این امر منقضی نمی‌شود تا این که دوازده خلیفه بر مردم حکومت می‌کنند.^۶

و در باب نزول عیسی مسیح طبلت از پیامبر خدا^ع آورده است:

پیوسته طایفه‌های از امت من، تا روز قیامت در راه حق مقاتله می‌کنند و پیروز می‌شوند، سپس عیسی مسیح طبلت فروه می‌آید و پیشوای مسلمانان به او می‌گوید بیا و برای ما نماز بگذار. عیسی مسیح می‌گوید: خیر؛ زیرا بعضی از شما بر بعضی دیگر پیشوای استید که خداوند این پیشوایی را برای این امت به او کرامت فرموده است.^۷

و در جای دیگر از رسول خدا^ع آورده است:

این موضوع (خلافت باطنی و ظاهری دوازده امام) همچنان باقی خواهد ماند تا آنجاکه از مردم دو نفر زنده بماند، سپس رسول خدا^ع آهسته به راوی گفت این دوازده نفر

۱ - محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح بخاری، دار الفکر، بیروت، ج ۱، ص ۳۰، ۵۴، ۲۰۲، ۲۲۱، ۲۰۲، ۲۲۳، ۱۴۸، ۱۰۳، ۲۸، ج ۳، ص ۳۳، ۱۴۸، ۱۰۳، ۲۸، ج ۴، ص ۸۵، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۳، ج ۵، ص ۱۲۶، ۱۲۶، ج ۷، ص ۵۸، ۷، ص ۷۲.

۲ - ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، دار المعرفة، بیروت، بی تاج، ۱۳، ص ۷۸ و ۱۸۴.

۳ - محمد بن اسماعیل البخاری، پیشین، ج ۴، ص ۱۴۳.

۴ - همان، ج ۸، ص ۱۲۷.

۵ - مسلم ابن الحجاج النیساپوری صحیح مسلم، دار الفکر، بیروت، ج ۶، ص ۲.

۶ - همان، ص ۳.

۷ - همان، ج ۱، ص ۹۵.

از قریش هستند.^۱

ذیل این حدیث بخوبی می‌رساند که آخرین نفر از خلفای قریش، تولد یافته و زنده است، چنان که صدر حدیث سابق که فرموده بود: «پیوسته طایفه‌ای از امت من، تا روز قیامت در راه حق مقاتلله می‌کنند». گویای این است که این مقاتله و ظلم ستیزی چیزی نیست که بعدها با تولد مهدی^{علیه السلام} و ظهرور آن حضرت، تحقق یابد، بلکه از هم اکنون به رهبری دوازده امام و در ادامه به رهبری امام مهدی^{علیه السلام}، تا روز قیامت به طور پیوسته ادامه خواهد داشت.

در سنن ابن ماجه پس از ذکر احادیث مربوط به علائم ظهور، بابی با عنوان «خروج المهدی^{علیه السلام}» گشوده و هفت حدیث در این باره نقل کرده است که صراحت آنها از دو کتاب پیشین بیشتر است.^۲

در سنن ابن داود، بابی با عنوان: «كتاب المهدی» گشوده و دوازده حدیث مربوط به مهدی^{علیه السلام} را آورده است.^۳ روایات مذکور با تصریح نام مهدی^{علیه السلام}، او را دوازدهمین خلیفه الهی روی زمین معرفی کرده است، شاید بتوان حدس زد که دوازده حدیث از سوی مؤلف، نوعی تهییم و اشاره به راسخ بودن اعتقاد ابن داود، نسبت به خلفای دوازده‌گانه بوده است.

در سنن ترمذی، بابی با عنوان «باب ما جاء في المهدی» گشوده و پس از ذکر سه حدیث، در باب بعدی احادیث، خروج دجال را آورده است.^۴

گرچه به دلیل مختصر بودن این نوشتة، از ذکر متن احادیث مذکور معدوریم، اما این مطلب روشن است که همه آنها دلالت بر خلافت پیشوایانی دارند که همگی از قریش و عدد آنها دوازده نفر و آخرین آنها مهدی^{علیه السلام} است. حال با توجه به این که رسول گرامی اسلام نخستین پیشوای مسلمانان را بر اساس حدیث معروف غدیر تعیین فرمود و نسبت به امام حسن^{علیه السلام} و امام حسین^{علیه السلام} نیز بارها آنها را سرور جوانان اهل بهشت و امام این امت معرفی نمود^۵ و نیز در اخبار متواتری از رسول خدا^{علیه السلام} وارد

۱ - همان، ج ۶، ص ۳.

۲ - محمد بن بیزید الفزوینی، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، دار الفکر، بیروت، ج ۲، ص ۱۳۶۵ احادیث ۴۰۸۸ - ۴۰۸۲.

۳ - سلیمان بن الاشعث السجستانی، سنن ابی داود، تحقیق سعید محمد اللحام، دار الفکر، بیروت، ج ۲، ص ۳۰۹ احادیث ۴۲۹۰ - ۴۲۷۹.

۴ - محمد بن عیسیٰ الترمذی، سنن ترمذی، تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان، دار الفکر، بیروت، ج ۳، ص ۳۴۳ احادیث ۲۳۳۳ - ۲۳۳۱.

۵ - القاضی ابو حنیفه نعمان بن محمد المغربی، دعائیم الاسلام، تحقیق أصف بن علی اصغر فیضی، دار المعارف، قاهره، ج ۱، ص ۳۷.

شده که از نسل حسین علیه السلام، نه نفر از خلفای مسلمانان به دنیا خواهند آمد و دوازدهمین آنان، مهدی علیه السلام است^۱. آیا باز می‌توان تردید نمود که مهدی علیه السلام هنوز به دنیا نیامده و در آخر الزمان تولد یافته و ظهرور خواهد کرد؟ آیا لازمه عدم اعتقاد به تولد مهدی علیه السلام، عدم تولد امامان پیشین نیست؟ در حالی که امامان پیشین از نسل حسین علیه السلام متولد شده‌اند.

گفتنی است هر چند احادیث مذکور کاملاً با مهدی آخرالزمان علیه السلام به عنوان دوازدهمین پیشوای مسلمانان، منطبق بوده و از این رهگذر هیچ گونه دغدغه‌ای وجود ندارد، ولی تعجب از این است که چگونه برخی از احادیث متوال مانند حدیث «المهدی حق من ولد فاطمه»^۲، که در بسیاری از جوامع روایی از جمله صحیح مسلم نقل شده، مورد دستبرد قرار گرفته و از متن کتاب برداشته شده است؛ زیرا طبق تحقیقات برخی از محققان معاصر حدیث «مهدی علیه السلام حق و از فرزندان فاطمه است» را چهار تن از علمای مورد اعتماد اهل سنت^۳ با صراحة کامل از صحیح مسلم نقل کرده‌اند در حالی که هنگام مراجعته به چاپهای موجود و در دسترس از صحیح مسلم، هیچ اثری از این حدیث مشاهده نمی‌شود.^۴

به هر حال، اگر احادیث مذکور را بآ روایات گسترده و فراوانی که در مسانید و دیگر کتب معتبر اهل سنت درباره ظهور و قیام مهدی علیه السلام در نظر بگیریم و همچنین با در نظر گرفتن حدیث «حالی بودن زمین از حجت خدا»^۵، و حدیث «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفتنه»^۶، که از منابع اهل سنت نیز نقل شده، نتیجه خواهیم گرفت که مهدی موعود علیه السلام همان کسی است که اکنون زنده است و در زمان مقرر و به مشیت الهی خروج خواهد نمود و جهان را پر از عدل و

۱ - معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه معارف اسلامیه، قم، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۷۷ مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب ۴، فصل ۲، ص ۱۳۲.

۲ - القاضی نعمان بن محمد التمیمی المغربی، شرح الاخبار، تحقیق السید محمد الحسینی الجلالی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۳، ص ۳۹۴.

۳ - این چهار تن عبارتند از: ۱- ابن حجر هیتمی در الصواعق المحرقة، باب یازدهم، فصل اول، ص ۲۰۲-۱۶۳-متقی هندی حنفی در کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴-۲۶۲-۳۸۶-شیخ محمدعلی صباح در اسعاف الراغبین، ص ۱۴۵.

۴ - شیخ حسن علوی حمزاوی مالکی در مشارق الانوار، ص ۱۱۲.

۵ - سید ناصر هاشم العمیدی، المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی، ترجمه مهدی علیزاده، با عنوان (در انتظار ققنوس)، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ص ۲۰۱.

۶ - ابو جعفر محمد بن عبدالله الاسکافی، المعيار و الموازن، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، ص ۸۱.

۷ - الامام احمد بن حنبل، مستند احمد، دار صادر، بیروت، ج ۴، ص ۹۶؛ مستند ابی داود الطیالسی، دار الحديث، بیروت، ص ۲۵۹.

احسان می‌کند؛ زیرا «خالی نبودن زمین از حجت خدا» وابسته به وجود بالفعل «امام» است، چنان که لزوم شناخت «امام زمان در هر عصری» وابسته به وجود و زنده بودن امام و حجت خدا در روی زمین است. جالب است بدانیم بعضی از علمای اهل سنت در ذیل حدیث «من مات بغیر امام مات میته جاهلیه». ^۱، گفته‌اند:

از آنجا که حدیث مذکور مورد اتفاق علمای مسلمین (اعم از شیعه و سنی) است کمتر کسی است که به وجود امام متظر معتقد نباشد، و ما معتقدیم که مهدی علیه السلام، صاحب عصر و زمان است و در شهر سامراء متولد شده و سرمایه نبوت و وصایت و امامت به او منتهی است، و حکمت الهی اقتضا می‌کند سلسله امامت را تا روز قیامت حفظ کند؛ زیرا عدد ائمه بعد از رسول خدا علیه السلام به مقتضای حدیث معتبر و معروف در صحیحین الخلفاء بعدی اثنا عشر کلام من قریش، محصور و معلوم است که همان دوازده نفر از قریش می‌باشند.^۲

نشانه‌های وقوع ولادت مهدی علیه السلام

برای ولادت مهدی علیه السلام به عنوان دوازدهمین امام، نشانه‌ها و شواهدی در دست است که این موضوع را حتمی و قابل باور می‌سازد:

نشانه اول: گزارش و سخنان پیشوایان معصوم از جمله شخص پیامبر اکرم علیه السلام است. رسول گرامی اسلام علیه السلام در احادیث متعددی خلفای امت را دوازده نفر و همه آنها را از قریش معرفی کرده^۳ و آخرین نفر را مهدی علیه السلام فرزند حسن عسگری علیه السلام معرفی نموده است.^۴ ذکر نام دوازده امام در این حدیث، شاهد بر این است که منظور از آنها، همان دوازده امامی است که شیعه امامیه به آنها معتقد است؛ زیرا اسامی مذکور بر هیچ یک از خلفای دیگر (مانند بنی امية و بنی عباس) تطبیق نمی‌کند. همچنین امامان معصوم علیهم السلام نیز هر یک جداگانه از علی بن ابی طالب علیه السلام تا امام حسن عسگری علیه السلام، ولادت مهدی علیه السلام را به عنوان فرزند حسن عسگری علیه السلام و دوازدهمین خلیفه روی

۱ - همان، ص ۲۵۹.

۲ - علامه بهجت افندی، تاریخ آن محمد علیه السلام، بی‌نا، تهران، ص ۱۹۸، به نقل از کتاب ابو طالب تجلیل تبریزی من هو المهدی، جامعه مدرسین، قم، ص ۹.

۳ - محمد بن اسماعیل البخاری، پیشین، ج ۸، ص ۱۲۷.

۴ - ابو الفوارس، الأربعین، ص ۳۸؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۴۱۳؛ متابع الموده، ص ۴۴۰، چاپ استانبول؛ فرائد السقطین، چاپ بیروت، ج ۲، صص ۱۵۵ - ۱۳۳؛ مقتل الحسين خوارزمی، ص ۹۴؛ مناجح الفاضلین (مخطوط)، ص ۲۳۹.

زمین، یادآور شده‌اند.^۱ بدیهی است احادیث مذکور تصریح به ولادت مهدی علیه السلام داشته و به دلیل کثرت آنها در منابع فریقین، نمی‌توان آنها را ضعیف و غیر قابل قبول دانست. علاوه بر این در روایات مذکور نام هر یک از امامان و خلفای بعدی پی در پی ذکر شده و اگر این پیشوایان تا امام یازدهم زنده بوده‌اند و تولد یافته‌اند، پس در مورد امام دوازدهم نیز باید همین مطلب صادق و واقع باشد؛ زیرا اگر بگوییم امام دوازدهم هنوز تولد نیافته، لازمه‌اش این است که امام یازدهم هنوز زنده باشد در حالی که شهادت امام حسن عسکری علیه السلام جزء مسلمات تاریخ است.

نشانه دوم: شهادت حکیمه خاتون به عنوان قابله و عمه آن حضرت. حکیمه دختر امام جواد علیه السلام و خواهر امام هادی علیه السلام و عمه امام عسکری است. حکیمه خاتون وعده‌ای از زنان که در کار قابلگی به آن بانو کمک کردند، هنگام ولادت مهدی علیه السلام در کنار مادر آن حضرت حضور داشتند و پس از تولد مهدی علیه السلام تصریح به ولادت وی نمودند.^۲ بدیهی است در جامعه اسلامی کسی جز زنان قابله بر جریان ولادتها اطلاع نمی‌یابند.

نشانه سوم: دیدارها و ملاقات‌هایی است که یاران امام حسن عسکری علیه السلام با امام مهدی علیه السلام داشته‌اند. در این باره مرحوم شیخ صدق در باب چهل و سوم از کتاب نفیس «کمال الدین» افرادی را نام می‌برد که با آن حضرت ملاقات داشته و با او سخن گفته‌اند.^۳ در این باب مرحوم صدق، در ضمن بیست و شش حدیث معتبر، نام افرادی که با آن حضرت ملاقات داشته، را نقل کرده و حوارش‌های طی این ملاقات‌ها اتفاق افتاده را بازگو می‌نماید. بدیهی است به دلیل کثرت احادیث و گزارش‌های مذکور، و همچنین به دلیل نزدیکی عصر شیخ صدق با غبیت صغری، هیچگاه نمی‌توان از آنها به مدعی گذشت، هر چند از منابع شیعه نقل شده باشد.

نشانه چهارم: توقیعات و نامه‌هایی است که بین حضرت مهدی علیه السلام و یاران و نمایندگان او

۱- امیر المؤمنین علیه السلام در بخار الانوار، ج ۵، ص ۱۱۰. فاطمه زهرا(س) در الکافی، ج ۱، ص ۴۴۲. امام حسن مجتبی علیه السلام در کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵. امام حسین علیه السلام در عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۵. امام سجاد علیه السلام در کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۹. امام باقر علیه السلام در الغیبه، شیخ طوسی، ص ۹۶. امام صادق علیه السلام در کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۲. امام کاظم علیه السلام در الکافی، ج ۱، ص ۲۷۱. امام رضا علیه السلام در الفصول المهمة، شیخ طوسی، ص ۲۳۰. امام جواد علیه السلام در الکافی، ج ۱، ص ۴۴۷. امام هادی علیه السلام در الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۲۴. امام عسکری علیه السلام در المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۵.

۲- شیخ صدق، پیشین، ص ۱۴۳، باب ۴۲.

۳- همان، ص ۱۶۱، باب ۴۳.

مکاتبه می‌شده است.^۱ در این باره پنجاه و سه مکاتبه در تاریخ به ثبت رسیده که در ضمن آن، به جزئیاتی از حوادث و فتنه‌های آن زمان اشاره شده که انکار و نپذیرفتن توقیعات مذکور را بسی دشوار می‌کند، چنان که مکاتبه امام زمان علیه السلام با عمری و فرزندش در توقيع چهل و سوم، گواه صادقی بر این مدعاست.^۲

نشانه پنجم: گزارش تبارشناسان معروف و قابل اعتماد نسبت به ولادت مهدی علیه السلام است، بدیهی است از گزارش اهل خبره و کارشناسان فن، بویژه اگر با قرائن و شواهد پیش گفته ضمیمه شود، می‌توان بخوبی اطمینان حاصل کرد که امام حسن عسکری علیه السلام دارای فرزندی به نام «مهدی» بوده و اکنون از نظرها غایب شده است.

ابو نصر بخاری که یکی از تبارشناسان متقدم و مورد اعتماد است در کتاب کوچک ولی با ارزش خود می‌نویسد:

برای علی بن محمد نقی علیه السلام فرزندی به نام حسن بن علی عسکری علیه السلام متولد شد که مادر او ام ولدی از اهل سودان بود. ولادت او در سال ۲۲۱ هجری و وفات او در سال ۲۶۰ هجری در حالی که ۲۹ ساله بود در سامراء اتفاق افتاد.

سپس می‌گوید:

واز علی نقی علیه السلام فرزند دیگری به نام جعفر متولد شد و همان کسی است که شیعه امامیه او را جعفر کذاب می‌نامند، و علت این نامگذاری در نظر امامیه آن است که وی پس از وفات حسن عسکری علیه السلام، ادعای میراث برادرش را نموده، و فرزندش قائم حجت که هیچ طعن و ابهامی در نسبش تیست در برآبر او قرار داشته است.^۳

همچنین علی بن محمد علوی از تبارشناسان قرن پنجم هجری، پس از ذکر ولادت امام حسن عسکری علیه السلام و جه تسمیه لقب آن حضرت به عسکری، در این باره می‌نویسد:

ابو محمد (حسن عسکری) وفات کرد و فرزندش از نرجس، نزد خواص و معتمدین اصحابش، معلوم بود، و ما بزودی جریان ولادت و اخباری که درباره او شنیده‌ایم را نقل خواهیم کرد، و مؤمنان بلکه همه مردم در اثر غیبت او موره آزمایش قرار گرفتند و جعفر بن

۱ - همان، ص ۲۳۵، باب ۴۵.

۲ - شیخ صدوق و تمام التمعة، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۴، مکاتبه ۴۳.

۳ - ابو نصر سهل بن سلیمان بخاری، سرالسلسله العلویه، تعلیق و مقدمه سید محمدصادق بحر العلوم، بی‌جا، انتشارات الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ص ۳۹.

علی نسبت به مال و مقام برادرش طمع کرد و از اعتقاد به فرزند داشتن برادرش فاصله گرفت، و در این میان برعکس از فراعنه نیز جهت دستیابی به کنیزان برادرش، با او همکاری کردند، و جرایم جعفر بن علی معروف و مشهور است.^۱

در این باره گزارش‌های دیگری نیز وجود دارد که به دلیل رعایت اختصار، خوانندگان محترم را به موارد آن ارجاع می‌دهیم.^۲

نشانه ششم: اقدامات جعفر کذاب است.^۳ در این باره اقدامات جعفر کذاب برادر امام حسن عسکری علی^{علیه السلام} نیز نباید نادیده گرفته شود؛ زیرا مدارکی در این زمینه وجود دارد که نشان می‌دهد اقدامات جاه طلبانه جعفر کذاب، در برابر برادرزاده‌اش مهدی علی^{علیه السلام} بوده است. هنگامی که امام عسکری علی^{علیه السلام} وفات یافت جعفر کذاب خواست بر جنازه برادر نماز بگزارد تا بدین وسیله مقام خود را به عنوان جانشین برادرش در امامت، ثبیت نماید، اما ناگهان طفلی پنج ساله با چهره‌ای گندم گون و با موهايي مجعد و با دندانهایي ردیف و جدا از هم، ظاهر شد و پیراهن جعفر کذاب را گرفت و به او گفت:

«تأخر يا عم فأتاً أحق بالصلاه على أبي» اى عممو برو عقب؛ زیرا من در نماز خواندن بر

جنازه پدرم شاپسته تم.

و جعفر کذاب یا چهره‌ای زرد و رنگ پریده به عقب رفت.^۴

جهر کذاب می‌دانست که برادرش عسکری علی^{علیه السلام} فرزندی به نام مهدی علی^{علیه السلام} دارد، از این رو، پس از آن که از جواب دادن به هیأت قمیها درباره پولها، عاجز شد^۵، در اقدامی دیگر حکومت وقت؛ یعنی معتمد عباسی را تحریک کرد تا مهدی علی^{علیه السلام} را دستگیر نماید، اما مهدی علی^{علیه السلام} از خانه گریخت و سریازان معتمد، مادر محترمه‌اش را بازجویی نمودند و مادرش برای نجات مهدی علی^{علیه السلام} مدعی شد که اکنون باردار است.^۶ این جریان، خود نشانه دیگری بر زنده بودن مهدی علی^{علیه السلام} است.

۱ - علی بن محمد بن العلوی العمري النسابي، المجلد فی أنساب الطالبيين، تحقيق الشیخ احمد المهدوي الدامغاني، مكتبة آیت الله العظمى مرجعى تجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ص ۱۳۰.

۲ - سید ثامر هاشم العمیدی، پیشین، ص ۱۵۷، در این کتاب تحقیقات با ارزشی از سوی مؤلف و مترجم درباره «تبارشناسی مهدی» صورت گرفته است.

۳ - کسی که امام حسن عسکری درباره او می‌گوید: «تجنبوا جعفر فإنه مني بمنزله ابن نوح»، شیخ صدقون، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۴، مکاتبه ۴۳.

۴ - همان، ج ۲، ص ۲۲۴، (باب ۴۳، ح ۲۵).

۵ - همان، ص ۲۲۵، (باب ۴۳، ح ۲۵).

۶ - همان.